

اخبار جبهه

مراسم بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهیدان رستاخیز سی ام تیر از سوی جبهه ملی ایران

حزب زحمتکشان در اهواز، با فریاد لعنت بر دیکتاتور تاریخ محمدرضا شاه زیر تانک رفت و شهید شد. لولو زرگر، عینکچی و شهدای دیگری که می‌بیند اینجا دفن هستند.

دکتر مصدق از دارایی خود همین قطعه زمین را برای خاکسپای شهدای ۳۰ تیر خریداری کرد. خود به این بابویه بر مزار شهدا آمد در حالی که احمد مصدق و نصرت اله امینی زیر بغل او را گرفته بودند من خود در کنار شادروان شمشیری شاهد بودم. دکتر مصدق دو زانو بر مزار شهیدان اداب احترام کرد قرآن کوچکی را از جیب خود بیرون آورد و در حالی که سخت می‌گریست گفت: به این قرآن سوگند آنچه در توان دارم برای آسایش این مردم به کار خواهم گرفت. شما شهدای راستین وطن هستید. شما به گردن من حق دارید. من نمی‌توانم پاسخ دینی را که شما بر گردن من دارید بدهم.

مصدق وصیت کرد جنازه او را در کنار شهدای ۳۰ تیر به خاک سپارند. سخنران دیگر دکتر حاج قاسمعلی چنین گفت:

امروز پنجاه سال از آن قیام مردمی می‌گذرد. گرفتاری ما همچنان گرفتاری‌های پنجاه سال پیش است و خواسته‌های ما همان خواسته‌ها و یکصد و پنجاه سال پیش اصلاح‌طلبی از قائم مقام و امیرکبیر و مصدق شروع شد. این هر سه از درون حاکمیت برخاسته بودند. مردم را می‌شناختند و به نیازهای مردم آشنا بودند. حرف‌های مصدق را اکثریت توده مردم قبول داشت و او را پشتیبانی می‌کرد.

مصدق در سه جبهه، خارجی، داخلی و رادیکالیسم افراطی حزب توده درگیر بود. او بواسطه پشتیبانی ملت پیروزی‌هایی بدست آورد تا جایی که نیاز به اختیارات بیشتر بود، تا دست دربار و دشمنان خارجی از دارایی‌های مردم ایران کوتاه شود. مصدق با هوشمندی و شعور سیاسی، در آن تنگنای تاریخی استعفا نامه خود را به پیشگاه ملت ایران تقدیم کرد.

قیام تاریخ ساز ۳۰ تیر به وجود آمد. گروهی از مردم شجاع در راه کسب خواسته‌های مشروع ملت ایران شهید شدند. این شهیدان که پنجاه سال در این گورها آرامیده‌اند، آرزوهایی داشتند که هنوز برآورده نشده ... اینها هرج و مرج طلب یا آشوبگر نبودند. اینها از توده مردم بودند. رفتند در حالی که ما جای آنها را پر نکرده‌ایم.

دکتر غلامحسین مصدق می‌نویسد: همراه پدرم در سالگرد ۳۰ تیر به این بابویه رفتیم. در حالی که به سختی حرکت می‌کرد. بسیار متأثر بود و می‌گفت می‌خواهم در کنار این شهیدان دفن شوم. اینها شهدای راستین وطن هستند. هنگامی که دکتر مصدق از این شهیدان به بزرگی یاد می‌کند و بر مزار ایشان حاضر می‌شود. بر ما که پیروان او هستیم واجب است مانند او همیشه یاد این شهیدان را گرامی بداریم. ■

عصر روز یکشنبه سی ام تیر ماه، در پنجاهمین سالروز رخداد تاریخ ساز ۳۰ تیر ۱۳۳۱، نمایندگان از سوی سازمانهای جبهه ملی ایران در این بابویه بر مزار شهیدان آن قیام ملی گرد آمدند و با خواندن فاتحه و هدیه کردن شاخه‌های گل سرخ و سپید، یاد شهیدان راستین میهن را گرامی داشتند. نخست یکی از جوانان برنامه را اعلام داشت. سپس آقای حسین شاه حسینی نایب رئیس شورای جبهه ملی ایران، خاطره‌هایی از آن خیزش مردمی را برشمرد و چگونگی پشتیبانی مردم از دولت و برنامه‌های دکتر مصدق برای برقراری حاکمیت مردم سالار و بریدن دست دشمنان خارجی و دربار از سر نوشت ملت ایران را روشن کرد.

... مصدق می‌خواست با گرفتن امتیازهایی، کابینه خود را به مجلس تازه (دوره ۱۷) معرفی کند، تا پس از گرفتن رأی اعتماد از نمایندگان مردم، شاه از جایگاه سلطنت و نه حکومت، فرمان نخست وزیری را به نام وی صادر کند. از نظر مصدق، شاه مقامی غیر مسوول بود که نمی‌بایست در کارها دخالت می‌کرد. دخالت مقامهای غیر مسوول کارها را خراب می‌کند زیرا که آنها پاسخگو نیستند.

مصدق خواسته‌هایی از شاه داشت. بنا شد شاه پس از ۲۴ ساعت پاسخ گوید. بارفتن سید ضیاء و قوام به دربار و گفت و گویی که با سید حسین امامی. رئیس مجلس صورت گرفت، شاه قوام را برای نخست وزیری به مجلس معرفی کرد و قوام با ۴۲ رأی موافق نخست وزیر شد.

مصدق نهضت ملی شدن نفت را رهبری کرده بود. زمانه حساسی بود. نواب سفیر ایران در هلند، پی در پی تلگراف می‌کرد و اخبار لاهه را به تهران مخابره می‌نمود و نگران آن بود که در آستانه رأی دیوان لاهه به نفع ایران، دولت مصدق ساقط شود و قوام شکایت را از دادگاه پس گیرد یا طرح توقف دعوی را بدهد. قوام نطق تند و تهدیدآمیزی کرد و در انتها گفت کشتیان را سیاستی دگر آمد مردم تهران صبح ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به خیابانها ریختند و به نفع دکتر مصدق تظاهرات کردند. از مسجد ارک، میدان ارک و بازار، مردم، از همه گروه‌ها، تجمع و حرکت کردند. احزاب سیاسی دسته راه انداختند. فروهر روی سکورفت و فریاد کشید: مرگ بر دیکتاتوری محمدرضا شاه، نگذارید دیگر استبداد بر این مملکت حکومت کند. سردمداران بازار و اساتید دانشگاه مردم را رهبری می‌کردند یک نفر در میدان ازک گلوله خورد و شهید شد. دکتر خنجی روی پله‌های دادگستری ایستاده بود دستور داد تخته آوردند و لاله الا اله گویان جنازه را تشییع کردیم. جوانی که دانش آموز دبیرستان نظام بود گلوله خورد و به زمین افتاد بی آزار از حزب زحمتکشان که دبیر بود با خون او نوشت: این خون زحمتکشان ملت ایران است، یا مرگ یا مصدق. این نوشته تا مدت‌ها روی زمین بود. مردم همه شعار می‌دادند یا مرگ یا مصدق. بعد از ظهر مردم شهرستانها بیرون ریختند. جهانفر عرب از

مراسم بزرگداشت استاد ادیب برومند در انجمن فردوسی برگزار شد

انجمن فردوسی به مناسبت دهمین سالگرد تأسیس این انجمن مراسم بزرگداشت استاد ادیب برومند رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران را در بیست و یکم تیر ماه برگزار کرد.

«شمس الدین خلخالی» مدیر انجمن ادبی فردوسی در این جلسه ضمن خیر مقدم اعلام کرد که این مراسم برای گرامیداشت استاد ادیب برومند شاعر ملی ایران برگزار می‌شود. وی همچنین ضمن سخنانی از مقام ادبی و سیاسی استاد ادیب برومند تجلیل کرد.

در این مراسم آقای «مهندس بیانی» رئیس شورای مرکزی حزب ایران سخنرانی خود را با ذکر گوشه‌هایی از مبارزات سیاسی ادیب برومند آغاز کرد و در سخنانی از ایشان و راهی که در پیش داشته‌اند تقدیر کردند.

در این مراسم شماری چند از شاعران و نویسندگان در مورد مقام ادبی و فعالیت‌های سیاسی استاد ادیب برومند سخنرانی کردند و اشعاری در ستایش از شخصیت ایشان خواندند.

آقای قریشی نیز در این مراسم به سخنرانی در مورد فردوسی و اهمیت پیگیری اهداف و نیات این شاعر ملی پرداخت و سخنرانی کردند و سروده خود را به مناسبت بزرگداشت ادیب برومند برای درج در نشریه انجمن ارائه کرد. سپس آقای محمود بختیاری درباره وطن دوستی و ملی‌گرایی ادیب برومند سخنانی ایراد کردند که با اقبال عمومی حاضران روبرو گشت. سرانجام لوح یادبود و تکریم و تقدیس فردوسی و چند جلد کتاب به استاد ادیب برومند اهداء شد. در پایان آقای ادیب برومند به سخنرانی پرداختند و اشاره کردند: درست است که من از سن ۱۷ سالگی به موجب اطلاق روزنامه‌ها، مجلات و کتب عنوان شاعر ملی ایران گرفته‌ام و در راه خدمت به ایران و ترویج احساسات وطن پرستانه و مبارزه با سیاستهای استعماری و استبدادی خدماتی را انجام داده‌ام اما تمام اینها انجام وظیفه بوده است و نیازی به تکریم و گرامیداشت ندارد. سپس ایشان قصیده‌ای را که برای سپاسگزاری از شرکت کنندگان در مراسم سروده بودند خواندند که مورد توجه حاضران قرار گرفت.